بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الاولياء خلفاء الانبياء وحبر الاحياء وسبيله الاهتداء ووجد الدين المحمدي عليه الصلوة
والثناء بوجود الاحمد السرمدي وفضله على كثير من العالمين بالسعادة الابدي وعصمه عن الذلات
بتجديد الايات واجرى قلوب الطالبين بكشف الكرامات وخرق العادات وقتل اعداء الذين بسيف الحق
ونور قلوب العابدين بعبادة الحق المنان والصلوة والسلام على مظهر الاسرار الالهوتية ومركز دائرة
الناسوتية ومهبط الانوار الجبروتية ومنبع العلوم الملكوتية ومخزن العوالم الناسوتية سيد الكونين وامام
الثقلين صاحب مقام قاب قوسين حبيب الحسن والحسين خليل الرحمن وحبيب الله محمد بن عبد الله صلى الله عليه وسلم
وعلى جميع النبيين الطاهرين واصحابه الصادقين والاولياء والصالحين ومن تبعهم اجمعين الى يوم الدين
اما بعد يقول فقير رؤف احمد متخلص برافت مجددي نسبا وطريقة عفي عنه كه چون بعضي از احباء
برادران ديني مثل عالم علوم عقلي ونقلي مولوي ولي الله سنبلي سلمه الله تعالى درستدعا آوردند
كه براي ارسال در بيان مقامات طريقه اينفقير مجددية منهجيكه ابيات ان قبله سالكان يزدان
وان كعبه اهل عرفان ان منهل محفل ولايت وان شمع مجالس هدايت
ان مرسبز چمن وفا ان ماه سماء بي عيوبي ان زيب وسادة هدايت
زينت ده جاده عبادت ان قطب جهان وغوث عالم قيوم زمان وفخر آدم
ان اصل رب وفرع رب رب نمر نخيل بي سبب ان دافع قحط وقحط
نور دل روان مفطر موسوم باسم بنده حق معلوم بعلم فيض مطلق

فیاض حقایق الهی ٭ دریای فیوض لاتناهی ٭ غواص محیط علم غیبا
دردانه بحر حسن و احسان ٭ طیار عروج لامکانی ٭ سیاره ریاض لی
کشاف دقایق ولایات ٭ دانای حقایق و کمالات ٭ محبوب جناب کبریا
بنا منشه ملک پارسایی ٭ عبد الله صاحب دو عالم ٭ وردی شده این دو
بحر کرم و عطا و رافت جد ٭ در صدف محیط رحمت ٭ مجیبی سنه و محدد
دریای علوم و کوه تمکین ٭ فیض شد ز کرامت خود
حضرت مولانا و مرشدنا المسمی بعبد الله و المعروف بغلام علی قدسنا الله تعالی باسراره السامی
فرموده اند بنویس لهذا با وجود عدم فرصت و رقتی چند بعبارت دل پسند تحریر نمودم و زمان
بطوالت کلام نکشودم و مرتب ساختم این رساله را بر یک مقدمه و چند فصول که خاتمه و الله الهادی
الی سبیل الوصول مقدمه در ترغیب محبت نمودن بدست شیخ کامل و ادب او بجا آوردن از اول
و مدح طریق نقشبندیه که موافق سنت سنیه است علی مصدرها الصلوة و التحیات بدانکه انسان را
بعد از تصحیح عقاید و مسائل جزئیات لابدیه فقهیه احد طریقه نمودن از شیخ مقتدا و محبت حاصل
بدست پیر بهتر از دام جهان است که وسیله است بسوی او تعالی و تقدس و دام بدست آمدن این وسیله
بلا محبت و حیل کامل توضیح از نص صریح ثابت است قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا
اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلة لاجرم شخصی که ازین راه را دیده است بمنزل مراد
رسید و مریدی شخصی نگردید که مرغ روحش از قفس قالب به پرید و بلکه مصداق من لا شیخ له
فشیخه الشیطان مرید شیطان است و هر چه باو میرسد از آن نعیم بی

عذاب الله است عن ذالک خوش گفت که گفت ٭ خواجگی بی پیر کردن کار دزدان بود ٭
هر کرا پیری نباشد پیر او شیطان بود ٭ و نیز همچنانکه طهارت ظاهری منوط باعمال شریعت است
نه زاف باطنی که عبارة از تصفیه قلب و تزکیه نفس است موقوف بتوسل بر طریقت پس جستجوی مرشد
کامل و نگاهبانی هادی آگاه دل لازم آمد و مقرر است که آن طریقه طلاب پس ادب بخدمت شیخ بجا آوردن
و حکم او را بجان قبول کردن بلکه منتظر فرمان شیخ بودن تا هر چه فرماید اگر چه بظاهر خلاف آئین
شرع و دین نماید از اکابر کسی مغزل دانسته بحکم حافظ شیرازی بیت ٭ می سجاده رنگین کن
گرت پیر مغان گوید که سالک بی خبر بود ز راه و رسم منزلها ٭ و جان و مال خود را در زمان
بشیخ دادن و خود را از نظر پیش خویش بر داشتن و تسبیح بسیار دادن و کالمیت بین یدی الغسال
شدن و هیچگونه اعتراضی بر اقوال و افعال شیخ نکردن و خود را از خوردن تا زنده اند فراق بیش و
لطافت انتن واجب بر طریقت شمرد و واقف اسرار شیخ فرید الدین عطار رحمة الله علیه و برکاته میفرماید ابیات
گر هوای این نمودی دلا ٭ دامن رهبر بگیر و پس برا ٭ در ارادت باش صادق الغرض ٭
تا بمنزل کی توان را کلید ٭ دامن رهبر بگیر ای راه جو ٭ هر چه داری کن نثار راه او ٭
گر روی صد سال در راه طلب ٭ راه بر نبود چه حاصل زان تعب ٭ پی رفیقی بر که شد در راه عشق ٭
عمر بگذشت و نشد آگاه عشق ٭ پیر خود را عالم مطلق شناس ٭ خود طلبی دیده کن از خاک باش ٭
ابو میگوید سخن تو گوش باش ٭ تا بگیرد او مگو خاموش باش ٭ و بعد از آنکه مرشد کامل را بدست
آورد شرع شریف مصطفی صلی الله علیه و سلم آراسته و باطنش از اتصافات ماسوا پیراسته و
متصف شد بصفات کامل و منحرف از مضایل رذایل رذایل حب دنیا و اهل دنیا گردیده

و انقطاع از ماسوی الله داشته باشد و متوسل بر حضرات باشد از نسبت اکابران خود و کمال
حظ و از فیض تکاثر داشته باشد که به یکران رسانند حضرة مجدد الف ثانی قدس الله سره در مکتوبات
نوشته اند که طریقه اقرب است در سبق و ادق و رسلم و احکم و اصدق و اولی و اجمل و ارفع از همه
طریقه علیه نقشبندیه است قدس الله تعالی ارواح العالیه و اسرار موالیها این همه بزرگی از جهت
عالیشان ذو علوشان این بزرگ و از آن بود که التزام متابعت سنت سنیه است علی صاحبها
الصلوة و التحیة و اجتناب از بدعت نامرضیه است نذر کرده بودند که صحابه کرام علیهم الرضوان نهایت
در بدایت شان مندرج کنند و حضور و آگاهی ایشان دوام پیدا کرده و بعد از وصول فوق آگاهی
دیگران نیز هم کلام الشریف حضرة ایشان ما قلبی در دمی فدا میفرمودند که همین نسبت دوام حضور
و آگاهی و سکینت و طمانیت و برنفس صحابه کرام و اهل بیت عظام بر اهل علم بدرک اثر اکبر
احاطه نمی نمودند در اینجا کسی خیال نکند که عمری این طایفه علیه نقشبندیه با صحابه کبار و اهل بیت
اطهار رضی الله عنهم ایشان را کوچک که حضور مراتبها دارد که بعضی از آنها فوق از دیگر است چنانچه در این عالم
عالیشان اول حضور یک قلب پیدا میشود نگرانی میشود بسوی اصل خود که فوق العرش است در عالم
امر است و همین سبب است که نگرانی دل بطرف بالا میشود باز چون انجذاب میشود و از غالب بدن نیز
الوش رسیده مضمحل و مستهلک در اصل خود میگردد و چون بعنایت خداوند جل شانه از آگاهی
واقع نمود نگرانی دل بسوی ظلال افعال الهی میشود که اصل قلب باشی از دست همین است که حضور
احاطه جهات سته مینماید بلکه بی جهت میگردد که جهتی و سمتی شان آن مقام نیست باز چون تجلی
ظلال وارد بر افعال رسید نگرانی دل بسوی افعال میشود و همین است که حضور عدد بی نمود در مقام
و باز مواجه

و باز مواجه سالک بذات پرشد و در آنجا حضور است مثل حضور نفس خود و این نیست از آن مضغه قلب
که از عالم خلق است پس معلوم است که فضل آن کاتک زاده و واقع شده است نگرانی نیست که مراتب دارد
نصیب صحابه از مرتبه عالی است در این مقام و اولیا را سافل مگر کسید حق سبحانه بعنایت خود بفضل
حضرت رسول صلی الله علیه و سلم و صحابه بآن مقام عالی رسانند و در نیست اگر تجلیه بر در زن
بعد از آن مواجه مستلذ کلمن و اده و نغره و ذوق و شوق و استغراق و بیخودی و بیهوشی و دلوله
و اضطراب و وجد و تواجد و کشف و کرامات و خوارق عادات که اکثر در ولایت قلبی پیش می آید
میگذرد عبادات و شدت ریاضات و ترک مألوفات و تقلیل طعام و قلت کلام و کم خفتن
و کم با خلق بودن است از این کرامات علیهم الرضوان چندان مردی نیست که ظهور کرامت این امور در اهل
علو مقامات در ضرور نیست و ایشان بمجرد ادراک شرف صحبت خیر البشر علیه و علی آله صلوات الله الملک الاکبر
بمرتبه مشهود و احسان میرسیدند که اعلا جمیع مقامات است و بالاتر از همه درجات و بحسب تصفیه
قلب و تزکیه نفس و تهذیب اخلاق احتیاج ریاضات شاقه نداشتند که در اول نگاه سید انبیا
علیه تحیات الملک الاعلی میرسیدند و بعد از قرن صحابه و تابعین اکابران طریقت و مشهور
حقیقت برای حصول مقامات سلوک که عبارت از توبه و انابت و زهد و قناعت و توکل
و رضا و تسلیم و غیرها است مجاهدات شاقه و ریاضات شدیده اختیار کردند حتی که حضرة خواجه
خواجگان پیر پیران امام الطریقت مرهم دلهای دردمند حضرة خواجه بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه
بوده اند ایشان این همه مجاهدات را بر هم قاصر حسب امکان شاقه داشته بحصول
شرع نمودند تا دوازده روز سر بسجده نهاده دعا فرمودند که الهی مرا طریقه عنایت کن که ایشان

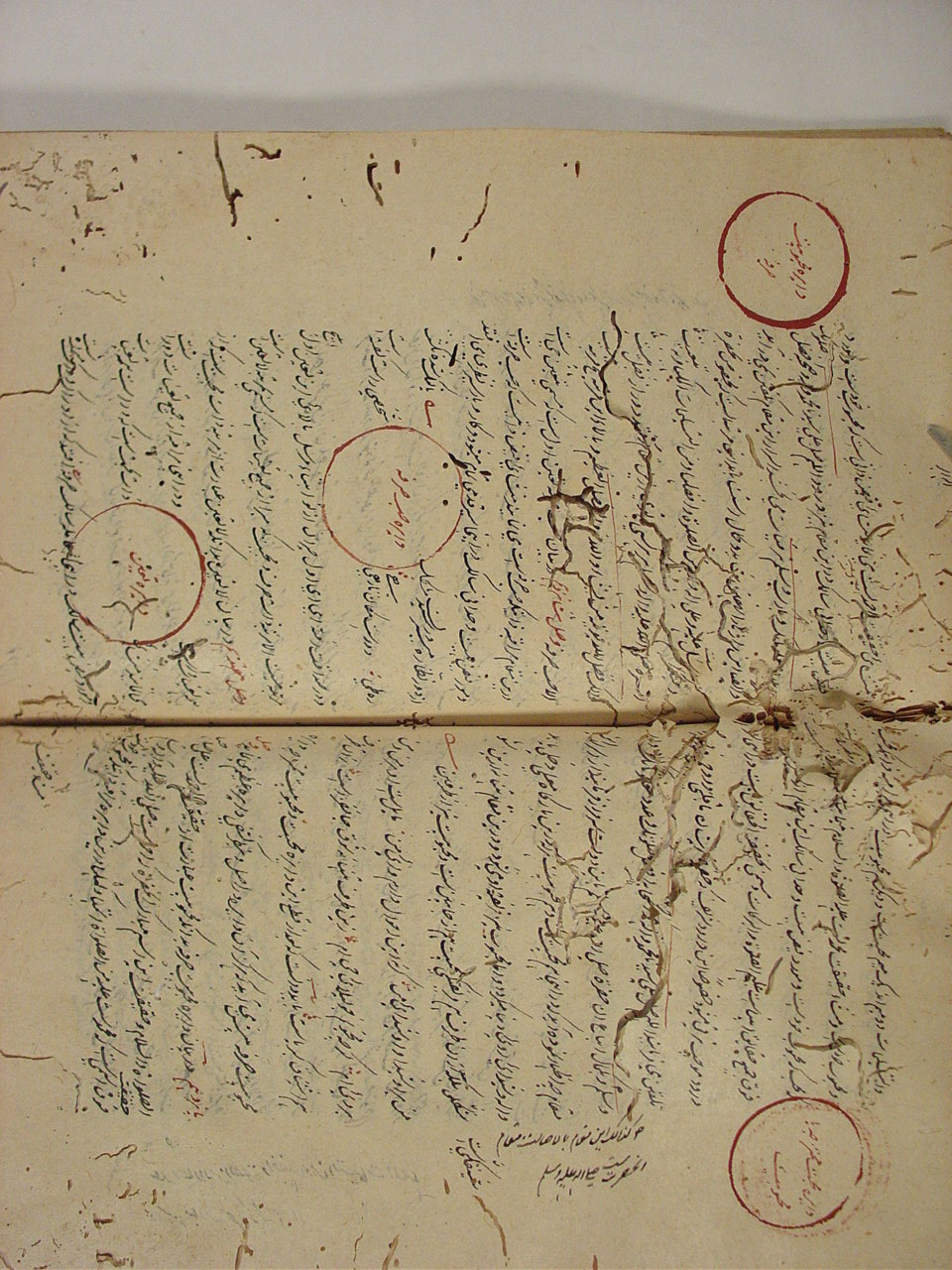

و از بیم اصنام منزه قدم را چه یارا که درین بارگاه قدم زند و نظر را چه زیبد که لطایف
نشد مگر کسی را که لطایف عشره او مصفا و مزکی می نماید و معاملات
اعتبارات و تعینات می رهانند ان را و درین مقام بکمال فضل سیر نظری
فایده حضرة ایشان ما قلیچ و روحی فداه میفرمودند که هر ذکر لا اله الا الله و صدم
محمد رسول الله گوید عروج و نزول در می باید و
ذکر اسم ذات جذبه می آید و از
کثرت درود خوانی بیک بینند و از کثرت تلاوت قرآن مجید انوار منتشر میشود و از
نماز تضرع دست میدهد ان شاء الله تعالی خاتمه کتاب در بیان طریقه توجه نمودن
به مستغرق شدن با القای ذکر و حضور جمعیت و انوار نسبت و حصول صحبت و عاقبت کار
این جماعت عالیشان باید دانست که طریق توجه بر دل طالب آنست که دل خود را
مقابل دل او داشته بهمت القای ذکر که از پیران رسیده است نمایند هرگاه دل طالب
بحرکت ذکر الله الله ذاکر شود توجه بلطیفه روح او نمایند باز بلطیفه خفی بعد از ان بلطیفه اخفی
باز بلطیفه نفس پس از ان بلطیفه قالب القای ذکر بهمت نمایند بعد از محسوس شدن حرکت
ذکر در لطایف خمسه عالم امر و لطیفه نفس و تمام اعضای بدن القای انوار جمعیت و حضور نمایند
و هر یک لطیفه را درجه بدرجه منجذب بفوق فرمایند معمول است که سه روز توجه القای
بهر یک لطیفه می نمایند و بعد از ان بعون الله سبحانه که لطایف ذاکر
انوار هر مقام الی ما شاء الله تعالی می نمایند و بوقت توجه نمودن متوجه به پیران کبار باشند
و بوسیله انها از جناب الهی فتح ابواب طالب خواهند کاهی صورت خود را مرشد حضور

ملحق جامع رساله کرده شد بامید آنکه حق سبحانه و تعالی ببرکت این عبارت مقبول سازد و کلام ما را مقبول
خاطر فرماید و مثل خاتمه و رساله خاتمه بالخیر گرداند آمین یا رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم
بخدمت شریف صاحب زاده عالی مراتب والا شان حضرة شاه رؤف احمد صاحب سلمه الله تعالی
بعد از سلام علیکم و رحمة الله و برکاته گذارش می نماید و قطعه [illegible] صادر صدور
رسید مرحمت نمایند جزاکم الله خیرا الجزاء از منزوحه [illegible]
شریف [illegible] رؤف احمد به علی صاحبها الصلوة و السلام و التحیه عنایت فرمایند
استقامت مردانه باشند و از همه کس بیگانه و در [illegible] و [illegible] آن صاحب زاده والا مناقب
خوش هستم خدای تعالی در هر دو جهان خوش دارد و مشایخ کرام نیز رحمة الله علیهم از شما خوش
باشند و هر که در دلها توجه و حضور [illegible] و وسعت انوار پیدا شود بهتر آنست که آن توجه مضمحل
گردد باز توجه بفوق بکنند خدا کند که تصفیه قلب و تزکیه نفس بطالبان خدا حاصل شود حصه فقرا
معین باشد و فقرا که جلسا الله همراه شما باشند و مذکور تفسیر و حدیث و مکتوبات شریفه و عوارف
و تصوف و لطایف و فقه در حلقه متبرکه شده باشند و وقتی از اوقات سجدات محبت و نیاز
و تضرعات گریه و زاری بجنبات حضرت باری کرده باشند در حلوتی که خالی از غیر و شما باشد
و این فقیر حقیر لاشی را بدعا یاد دارند و از مطالعه رساله شریفه بسیار خوشنود شدم حق تعالی الحمد بالخیر
که مضامین رساله شریفه کمالا و تکمیلا علی احسن الوجوه در شما و یاران شما ظهور کند و طالبان
خدا را بهره یاب کند حق تعالی آنچه از باد اجداد کرام شما را عطا کرده است شما را هم عطا کند

والسلام علیکم و علی من لدیکم

تمام شد کار در نظام شد

فقیر را از دعا فراموش نکنند و اگر از اختصار